

چند کامپیوتر باهم شبکه‌ای را تشکیل دادند و بسیاری تغییرات گوناگون دیگر.

کارکرد رایانه‌ای اکنون به عرصه پزشکی و جراحی و کشیده شده است و پی در پی در حال تحول بسیار سریع است. آن چیزی که ممکن است در آینده‌ای نه چندان دور ما را غافلگیر کند تغییرات ژنتیکی است و نقش عظیمی که رایانه در این امر ایفا می‌کند.

آندرس ساندربری / Anders sandberg دکتر در دانش رایانه‌ای می‌پرسد: آیا انسان برای همیشه انسان باقی خواهند ماند؟

آندرس با این فکر بیکانه نیست که در آینده‌ای نزدیک بخشی از بدن ما در اختیار یا به اصطلاح اجاره‌ی رایانه خواهد بود و این کمک خواهد کرد که انسان به موجودی سالم‌تر، متفکرت‌تر و باهوش‌تر تبدیل بشود. او بر این باور است که حتا اگر بدان کار نیازی نباشد به‌زودی امکان ثبت یا کپی / Scannard مغز انسان پیدا خواهد شد و انسان در رایانه زنده خواهد بود این در اساس به معنای ابدی شدن انسان است.

این پژوهشگر می‌گوید: تکنولوژی یک میلیاردیم / nanotechnology پدیده‌ی بزرگی است که از سال ۱۹۶۰ تحقق پیدا کرده و آن چیدن اتم روی اتم است و این در بیولوژی شبیه آنزیمی است که در سلول‌های ما شبیه ماشین‌های کوچکی عمل می‌کند. با یاری تکنولوژی یک میلیاردیم، برای مثال، می‌توان به جای این‌که درختی را قطع کنند، آن را آسیاب کنند و از آن کتابی بسازند.

انجمن فراسوی نوع دوستی / Transhumanism که ۶۰ نفر عضو به این تکنولوژی نظر دارد. / Tranad به معنای آن‌سوی و فراسو معنا می‌دهد و این نام می‌خواهد پیوستگی و اتحاد تکنیک، علوم طبیعی و انسان‌دوستی را برساند. بیشترین اعضای این انجمن دارای دانش‌های رایانه و داروشناسی و فلسفه هستند.

#### بمباردهان خبری

ما در جهان امروز در حقیقت در اطلاعات غرق می‌شویم و مشتاقانه به دنبال دانش‌های نو می‌رویم. در سال‌های اخیر اطلاعات افزایش غول‌آسا یافته است به نحوی که ما فرصت دنبال کردن اخبار و رویدادها را نداریم. برای مثال، چقدر اخبار و اطلاعات برای جنگ

به‌رگو، روزنامه‌نگار ساکن سوئد.

## حسن بهگر

### سال ۲۰۰۰

## آغاز تغییرات غول‌آسا

اقیانوس آرام؛

۵. عصر زیست‌شناسی و تغییرات ژنتیکی؛

۶. تداوم و گسترش فردیت در جامعه؛

۷. شرکت روز افزون زنان در رهبری جوامع؛

۸. نگاهی نو به مذهب.

#### پدیدار شدن کامپیوتر

تغییرات در جهان برق آسا رخ می‌دهد. هدف ما شناخت مهم‌ترین فرازاها و رویدادهایی است که در انتظار ماست.

روند رویدادها غول‌آسا است و این روندها و تغییرات سیاسی و تکنولوژی گرچه آهسته می‌رویند و پدیدار می‌شوند اما آثار بسیار عظیمی بر جای می‌گذارند.

در دو دهه‌ی گذشته جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی تغییر یافت، دهه‌ی شصت، دهه‌ی پدیدار شدن مغزهای الکترونیکی بود که به سرعت محاسبه می‌کردند، دهه‌ی هفتاد این پدیده در اداره‌ها و دفاتر به صورت معمولی درآمد و امروز به صورت بخش مهم و خطیری از سیستم کنترل دولت‌ها و یا شرکت‌های بزرگ درآمد است.

ارتقاء به تکنولوژی بالاتر و تبدیل شدن اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی و مشارکت بیش‌تر مردم در ابراز عقیده توسط صفحات اینترنت به مشارکت هر چه بیش‌تر مردم انجامیده که این پدیده را دموکراسی جدیدی ارزیابی می‌کنند که در سال‌ها اخیر در جامعه‌ی علمی و اطلاعاتی تبلور یافته است دهه‌ی ۹۰ باز شدن درهای اینترنت به روی مردم و این که

#### ایرانیان و هزاره‌ی سوم

ما در آستانه‌ی هزاره‌ی سوم ایستاده‌ایم، روبه‌روی تاریخ تمدن ما، دهه‌ی بسیار مهمی قرار دارد. برای ما ایرانیان که تاریخی بیش از شش هزار سال داریم و یا برای آشوریان که بیش از هفت هزار سال تاریخ دارند، این آغاز بدیهی است. آغازی است نمادین (سمبلیک). هزاره‌ها مفهومی عمیق و گسترده در مذهب‌هایی مانند زرتشتی و مسیحیت داشته‌اند. (هزاره‌ها در مذهب زرتشت، پیشگویی ظهور سوشیانس را همراه داشته است و به همین دلیل، شاید برای جلوگیری از بروز ادعاهای دروغین و خلاف‌گویی‌ها که موجب هرج و مرج و اغتشاش می‌شد، موبدان ناچار به دست‌کاری در تاریخ شده‌اند و شاید مبهم ماندن تولد زرتشت نیز بدین جهت باشد.) اما هزاره‌ها با خود پی‌آمدهایی نیز دارند که تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که چشم بستن به آن عاقلانه نیست، بلکه دریافتن روح تاریخی زمان و انطباق با آن راه خردمندانه است.

#### روندهای مهم

روندهای مؤثری که در زندگی ما تأثیر خواهند گذاشت، عبارتند از:

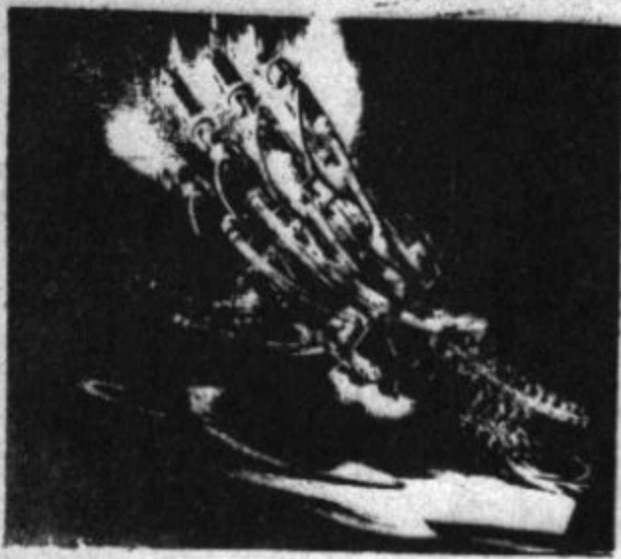
۱. افزایش روند اقتصاد جهانی / Global که از دهه‌ی ۹۰ آغاز شده است؛

۲. نمایش فرهنگ‌ها؛

۳. تحول در سوسیالیسم؛

۴. ادامه‌ی پیشرفت کشورهای حوزه‌ی





از سیستم جهانی / Global به سوی اتحادیه‌هایی مانند اتحادیه‌ی اروپا کشیده می‌شوند، در حالی که جنگ و ستیز و تمایلات جدایی‌خواهانه در کشورهای «جنوبی» جریان دارد.

### اقتصاد جهانی

هم‌اکنون پایه و اساس یک شبکه‌ی اطلاعاتی جهانی برای بازار جهانی ریخته شده است و طولی نخواهد کشید که در این شبکه هر کس می‌تواند هر چه می‌خواهد از هر کجا که بخواهد، خریداری نماید.

هم‌اکنون اینترنت عملاً چنین مسئولیتی را به عهده دارد و اگر در مراحل حقوقی و امنیتی آن شتاب ورزند، اینترنت به سرعت همه‌گیر می‌شود. انتقال صدا و نور و نگاره (تصویر) همراه با نوشته‌ی رایانه که در حال پیشرفت هستند، به این بازار جهانی یاری می‌رسانند.

رشد بدون مرز، ویژگی اقتصاد جهانی است، انقلاب در امکانات طبیعی و مواد خام در حال جریان است. آنچه مسلم است انرژی هنوز نفت است و جانشینی ارزان‌تر از آن موجود خارجی ندارد.

جامعه‌ی اطلاعاتی در ارتباط شبکه‌ی تلفنی و رایانه به توسعه ادامه می‌دهد و بدان‌سان که دنیای صنعتی به روزگار خود چنین فعالیت‌هایی را ادامه داد.

### حوزه‌ی اقیانوس آرام

کشورهای حوزه‌ی اقیانوس آرام در حال رشد شگفتی‌آوری هستند. استاندارد تحصیلی ژاپن که ۹۴ درصد از دانش‌آموختگان اجباری را در برمی‌گیرد، در برابر ایالات متحد آمریکا رقم ۸۶ درصد را دارد، بالاتر است. این در حالی است که انگلستان فقط نیمی از این رقم را به خود اختصاص داده است.

این تنها ژاپن نیست که جوانان‌اش از درجه‌ی تحصیلی بالایی برخوردارند، کره جنوبی نیز پس از ۱۹۸۵، توجه فراوانی به آموزش و پرورش داشته است.

برای مثال، اکنون نیمی از جمعیت بزرگ‌سالی ستول به دانشگاه می‌روند یا به نحوی در آن آموزش می‌بینند. تایوان نیز دارای چنین شرایطی است. چین، گرچه به سبب زیادی جمعیت نتوانسته است چنین سطح آموزشی را برای همه‌ی مردم خود فراهم کند، ولی با درایت و هوشمندی بسیار توانست دو جرزیره‌ی خسوف را که زیر

صرب و کوزوو نوشته شد؟ و ما چقدر توانستیم آنرا دنبال کنیم؟ و امروز جنگ روس‌ها با چین آنرا نه تنها تحت‌الشعاع قرار داده بلکه حتا از یاد بسیاری برده است (به ویژه اگر رسانه‌های همگانی در عمده کردن یا نکردن آن نظر داشته باشند).

برای جذب این اطلاعات و کاربرد آن نیازمند یک پایه و ساختار و چهارچوب مشترک هستیم، در غیر این صورت یک رایانه هر چقدر هم کامل و مجهز باشد فقط رویه‌روی ما خواهد چرخید و سودی عاید ما و جامعه نخواهد کرد.

### تغییر جامعه

در یک اتاق خالی حادثه‌ای رخ نمی‌دهد، بلکه در یک جامعه است که سیاست و فرهنگ و اقتصاد جریان دارد و این تغییر و تحول دایمی و هم‌زمان رخ می‌دهد. این مقاله در این ارتباط نوشته می‌شود که چهارچوبی برای مطالعه‌ی این دورنما فراهم نماید و نیازی بدان نیست که مطالب آن پذیرفته و با برداشت‌های آن هم‌نواپی کامل نشان داده شود بلکه مهم چهارچوبی است که با آن می‌توان به مطالعه‌ی سریع بهره‌ها و خراشیدن دیدگاه‌های مخالف و ناسازگار با هم و اطلاعات جدید دست یافت.

نکته‌ی مهم این است که برداشت خود را از جهان گسترش دهیم. فهرست بالا بلندی از روندهای سریع و عظیم می‌تواند به ما بگوید که در کارمان، در آرزوها و آرمان‌های مان و در روابط اجتماعی مان تغییرات بزرگی در حال روی دادن است. اگر این تغییرات را درک نکنیم و نفهمیم، آینده برای ما تبدیل به کابوس‌های وحشت‌آوری می‌شود، ولی اگر آگاهی همراه با بینش و هشیارایی نسبت به این تغییرات وجود داشته باشد، می‌تواند برای جامعه نظم و رفاه و رشا و ترقی در پی داشته باشد برای مثال اگر ایران نقش خود را در چهار راه تاریخی کنونی بازی نکند (که قابلیت آنرا هم از جهت جغرافیایی و هم افراد تحصیل کرده و کارآموده و هم از جهت منابع کانی به اندازه‌ی کافی دارد) به تدریج در کنار ترقی و رشد کشورهای اقیانوس آرام و حتا کشورهای نزدیک‌تر به حاشیه رانده خواهد شد.

معتقدات و آداب و رسوم کهن جوامع در رویارویی با جهانی که مبتنی بر فلسفه‌ی روشن‌گری است، رنگ می‌بازد، اما جامعه نمی‌میرد و به زندگی ادامه می‌دهد. کشورهای که «شمالی» نامیده می‌شود به سرعت با تابعیت

قیمومیت استعمار بودند به سرزمین مادری برگرداند، بدین ترتیب، چین، ضمن توسعه‌ی جغرافیایی خود امروز به ویژه از تکنولوژی هنگ‌کنگ بهره می‌گیرد.

### تجربه‌ی دیگری از سوسیالیسم

در پایان هزاره، ما با شکست هفتاد ساله‌ی شبی از سوسیالیسم روبرو بودیم.

اکنون شاید این به حقیقت نزدیک‌تر باشد که انقلاب‌های روسیه و چین را برنامه‌هایی برای نو کردن (مدرنیزاسیون) جامعه‌های شان ارزیابی کرد و نه انقلابانی سوسیالیستی که در این راه با موفقیت‌ها و شکست‌هایی همراه بوده است. نظریات مائو در حقیقت با تلفیق کهنه با نو توانست به موفقیت‌هایی دست یابد ولی هر دو برنامه روسیه و چین از تحکم و آمریت دولتی و بی‌رحمی بسیار زیادی برخوردار بوده‌اند.

سوسیالیسم کلاسیک به دلایلی از آن جمله: نظام (گلوبال) جهانی، پیشرفت، تکنولوژی، تغییرات در مدیریت و تغییر یافتن نیروی کار، رشد شخصیت فردی و گران‌تر بودن روش سوسیالیستی کلاسیک باید دچار تحول شود.

به هر روی، سوسیالیسم با هر مضمونی که داشته باشد به عنوان منتقد جامعه‌ی سرمایه‌داری باقی خواهد ماند و تجربه‌های بشری ادامه خواهد یافت، چرا که عدالت اجتماعی و رفاه انسان و احترام به انسان مضمون اصلی مبارزه‌ی آینده است.

### احترام به انسان

وقتی به سال‌های پس از ۲۰۰۰ می‌اندیشیم تحولات، تکنولوژیکی، و سفرهای فضایی و تکنولوژی سینمایی و روبات‌ها را در



نظر می‌آوریم. ولی در حقیقت تصویر آینده بسیار پیچیده‌تر از این‌هاست. آینده‌ی بشریت در فهمیدن انسان و احترام به انسان و شخصیت انسانی نهفته است نه چیز دیگری. به عبارتی دیگر، آینده‌ی بشریت در پاسخ به این پرسش است که انسان چه معنایی دارد؟ در چنین بازار آشفته‌ای است که ما باید از خود بپرسیم، ما ایرانیان چه میراثی برای آینده‌ی میهن خود می‌گذاریم؟ آیا فرزندان ما خواهند توانست در یک شرایط انسانی و در یک محیط زیست مناسب، زندگی کنند؟

### حفظ محیط زیست

ما هزاره‌ی دوم را زمانی پشت سر می‌گذاریم که سلاح خودکشی بشری به نام بمب اتمی اختراع شد و اولین تجربه‌ی وحشتناک آن بدون هیچ دلیل و منطقی قابل قبولی در هیروشیما و ناکازاکی ژاپن هزاران انسان بی‌گناه را کشت و یا توان‌خواه و بیمار نمود. در تابستان ۱۹۸۶ نشست نیروگاه اتمی روسیه‌ی شوروی در چرنوبیل فاجعه‌ آفرید و نشان داد که همه‌ی کشورهای کره‌ی زمین همانند یک خانواده به هم وابسته‌اند و باید احساس مسئولیت نمایند.

ما این هزاره را پشت سر می‌گذاریم با این دلهره که مبادا در آینده، رهبران کشورهای دیگری که دارای بمب اتمی هستند، مرتکب جنایت دیگری شبیه آنچه در پایان جنگ دوم جهانی از جانب آمریکا گردید، نشوند. و این، همه‌ی نگرانی ما نیست. بشر در صورتی که به سرعت، به جبران ضایعات زیست محیطی خود نپردازد، با ازدیاد «حرارت گلخانه‌ای» به تدریج فضای کره‌ی زمین مسموم خواهد شد و موجودات آن از بین خواهد رفت.

هر اندازه هم که بخواهیم مثبت فکر کنیم نمی‌توانیم تیرهای روزنامه‌های جهان را که پر از حوادث ناشی از زلزله، آتشفشان، سیل، سرتقت، مواد منفجر، ایدز، سرطان، سلاح‌های کشنده‌ی شیمیایی است، نادیده بگیریم. نسل ما مسئولیت بسیار سنگینی را برای آینده به دوش می‌کشد، این نسل با کار و کوشش و هشیاری و حفظ منابع ملی و منافع آن می‌تواند سرفراز از بوت‌های این هزاره درآید.

بخشی از کشورهای آسیا، به تدریج به پایه‌های استاندارد اروپایی نزدیک می‌شوند اما دروغا بسیار شگفت‌انگیز است که بخش بزرگی از آسیا از جمله ایران که تأمین‌کننده‌ی بزرگ نفت و گاز جهان هستند، در زمره‌ی این

### کشورها قرار نمی‌گیرند.

خشکسالی کشور ما را همواره تهدید می‌کند و ما همواره در زمره کشورهای بودیم که به تخریب محیط زیست در سطح بسیار وسیعی ادامه داده‌ایم. آیا در آینده‌ای نه چندان دور مجبور خواهیم بود ذخایر زیرزمینی مانند نفت - اگر باقی مانده باشند - را با آب مبادله کنیم؟

### رهبری زنان

رشد اشتغال زنان در کارخانه‌ها پس از جنگ جهانی دوم در اروپا، ۲۰۰ درصد بیش‌تر

کارخانه‌ها و بانکداران شد که «بورژوازی» نام گرفت. بدین ترتیب، مسیحیت با تحول خود فصل طلایی در تاریخ بشریت گشود و موجب رونق اقتصادی جهان غرب گردید و هم‌اکنون در حال پاگذاری به روزگار نوین دیگری است. البته تردیدی نیست که هنوز بسیاری از بنیادگرایان مسیحی مایل به اجرای کلمه به کلمه‌ی انجیل هستند. آن‌چه در بیداری مسیحیان بسیار مؤثر افتاد جنگ‌های صلیبی و ترجمه‌ی آثار فلسفه‌ی اسلامی و ایرانی بود. آثار برجسته‌ی متفکران و دانشمندان ایرانی مانند نوشته‌های زکریای رازی درباره‌ی الکل و



از دوران قبل از آن بود، در حالی که هم‌اکنون در اروپا از چند سال پیش زنان ریاست حدود یک سوم از صاحبان شرکت‌های کوچک را به خود اختصاص داده‌اند. با این همه، زنان قدمی فزاینده‌تر و به رهبری جوامع می‌اندیشند. زنان نیک می‌دانند که تکنولوژی و سرمایه، نقش تعیین‌کننده‌ای در رهبری آنان خواهند داشت.

یک کارگر مرد نماینده‌ی «تیبیک» جامعه‌ی صنعتی بود، در حالی که امروز زن نماینده‌ی جامعه‌ی اطلاعاتی است. و این بدان معنا است که اشتغال و نقش زنان در جامعه اطلاعاتی بسی مهم‌تر است.

### عرفی شدن ادیان

شناخت هزاره‌ای که گذشت بدون شناخت ابعاد روان‌شناختی و تاریخی آن میسر نیست. در هزاره‌ای که گذشت، مسیحیت عرفی شد و «سکولاریزه» شدن را آزمود. و به یاری آن اروپا تولدی نو یافت و پدیده‌های «فردگرایی» و نهضت روشن‌گری و فرهنگ‌ی موجب به وجود آمدن طبقه‌های جدیدی از بازرگانان، صاحبان

در قلمرو فلسفه، آثار خوارزمی درباره‌ی شیمی، آثار پزشکی ابن‌سینا و زکریا که بعدها به‌عنوان کتاب مرجع در دانشگاه‌های اروپا باب شد، رساله‌های انتقادی غزالی به فلسفه و نوشته‌های زیبا و گران‌قدر روزبه پارس‌ی (ابن مقفع) از آن جمله کلیه و دهنه و خداینامک و منطق را که از پهلوی به عربی برگردانده بود و هم‌چنین دانشمندی مانند ابن‌رشد که با برگرداندن بسیاری از آثار یونانیان به زبان عربی که از آن طریق به زبان اروپاییان برگردانده شد. در حقیقت میانجی این مبادله‌ی فرهنگی و تکان اروپا و بیداری آنان شدند که منجر به ترقی و رشد اروپا گردید که تا امروز نیز ادامه دارد. اما امروز هم کم نیستند گروهی از مذهبی‌های مسیحی که این هزاره را پایانی برای بشریت می‌دانند و ضایعه‌ی لایه‌ی آژن را نیز دلیلی برای همین امر می‌شمارند. اما آن اکثریت خردمند مهر خود را در تاریخ کوبید و آنرا تغییر داد.

### نوگرایی مذهبی

ایرانیان در قرن چهارم با استفاده از



## هزاره‌ها

### با خود پی آمده‌هایی دارند که چشم بستن به آن‌ها عاقلاً نه نیست، بلکه

### در یافتن روح تاریخی زمان و

### انطباق با آن راه خردمندانه است

می‌کند به شریک. از آنرا چنین تعریف می‌کند: «متجدد کسی نیست که کلاً فرنگی بر سرگذارد و در برابر خارجی احساس فروستی کند و بر هم‌وطنان فخر بفروشد. آدم متجدد کسی است که به آزادی‌های فردی دیگران احترام بگذارد، خالی از تعصبات فردی باشد و... مراد غریبی شدن نیست، بلکه آمادگی برای زندگی در جهان امروز است. با تأکید بر هویت فرهنگی خود و با مردم زمانه معاصر بودن»<sup>۱</sup>.

### آینده‌ی زبان فارسی

زبان دری یا فارسی کنونی زمانی در منطقه‌ی بزرگی از جهان از آسیای صغیر تا شبه‌قاره هند و چین رواج و نقش ارتباطی خود را هم‌چون زبان انگلیسی امروز انجام می‌داد، اما در قریبی که گذشت استعمار انگلیس کوشش کرد که زبان فارسی را از شبه‌قاره‌ی هند بتاراند و تا حد زیادی نیز موفق بود. فرهنگ و زبان ایران نفوذ بسیار کهنی در هند داشته و بنا به اعتراف رهبرانی چون نهر، فارسی یکی از زبان‌های معتبر در هند بوده و کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری به این زبان در آنجا تألیف شده است، که عموماً مورد بی‌مهری حکومت‌های وقت در ایران قرار گرفته‌اند.

همین سیاست در افغانستان پی گرفته شد و حتا کوشش شده زبان «پشتو» جایگزین زبان فارسی گردد. با توجه به این‌که در صد سال آینده زبان‌هایی از میان مردم جهان رخت خواهند بست، آیا آینده‌ی زبان فارسی در مخاطره نیست؟ چه حمایتی از این زبان شده است؟ چرا فرهنگستان لغت ایران متشکل از دانشمندان و خبرگان زبان فارسی تشکیل نمی‌شود؟ زبان فارسی برای تطبیق با دانش و فن روزگار خود نیازمند لغات نو و ترکیبات تازه‌ای هست.

بسیاری از بروشورهای اطلاعاتی برای دارو و یا دستگاه‌های الکترونیکی و ... را می‌توانیم به زبان عربی و حتا ترکی بخوانیم ولی هرگز به زبان فارسی چیزی دیده نمی‌شود.

فرصت‌های مناسب سیاسی که اجازه‌ی تکثر مذهبی را می‌داد، به‌ویژه، در دوران کوتاهی از خلافت مأمون که سیاست معاشات گرایانه‌ای با کلیه‌ی مذاهب پیشه کرده بود، توانستند در زمینه‌ی علوم قد علم کنند. جای شگفتی است که در زمان حمله‌ی مغول‌ها که بدترین تهاجم به مدیته و شهرنشینی ما شد و شهرهایی پرجمعیتی چون نیشابور نابود گردیدند، چراغ علم و دانش نیفتد. ما در این دوره شاعر فیلسوفی چون مولانا جلال‌الدین، شاعری اجتماعی چون سعدی و سراینده‌ی رند و آزاده‌ای بی‌مانند هم‌چون حافظ داریم، ولی با یکه‌تازی متعصبان، این مشعل‌ها نیز خاموش شدند تا سرانجام در دولت صفوی، گرچه دست پیگانگان از دخالت در سرزمین ایران کوتاه شد، اما دوباره با عصبیت مذهبی روبه‌رو می‌شویم، آن‌چنان که بخش بزرگی از ایران به‌نام افغانستان که اکثریت آن سنی مذهب بودند به ستوه آمدند و به دولت مرکزی حمله کردند و این پایه‌ای شد تا بعدها با استفاده از این آزرده‌ی دست استعمار انگلستان، افغانستان را از سرزمین مادری جدا کند. افزون بر آن، در این دوران با هجرت دوباره‌ی شاعران و اندیشمندان، دچار فقر فرهنگی هولناکی شده که تا به امروز ادامه دارد. امروز رسیدن به معیاری پیشرفت به سادگی میسر نیست و دانش‌ها در حد چند کتاب خلاصه نمی‌شود. برخورد سنت‌ها و ساختارهای بفرنج و پیچیده و چه بسیار دست و پاگیر جوامع شرقی با ماشین شدن و تندرو و نوآفرین دانش و تکنولوژی مشکل اساسی این جوامع است.

### هویت‌یابی در جامعه‌ی مُدرن

نهضت ملی ایران در صد سال اخیر با انقلاب مشروطیت، نهضت ملی کردن، نفت، انقلاب ۵۷، در راه استقلال و هویت و نهادینه کردن دموکراسی گام برداشته است.

دوران حکومت پهلوی که پایمال‌کننده‌ی دست‌آورد قانون اساسی مشروطیت بود، کوشش در جهت شبه نو کردن جامعه داشت. این اقدامات که توسط حکومتی اقتدارگرا و با عنوان کردن ناسیونالیسم که ناسیونالیسمی دولتی و بدون محتوا و هم‌خوان با جامعه‌ی ایران نبود، ناکام ماند. حکومت رضاخان و حکومت محمدرضا نه تنها ملی نبودند، بلکه ضد ملی هم بودند. امروز جامعه می‌تواند به حالتی از تعادل دست یابد که جامعه‌شناس ایرانی، جمشید بهنام، آنرا «تجدد» نام‌گذاری

کشور ما با شصت و پنج میلیون جمعیت و با درآمد هنگفت نفت که سالیانه مبلغ مهمی از آن صرف واردات می‌شود، چرا واردکنندگان را متعهد نمی‌سازد که از صادرکنندگان کالا بخواهند تا ورقه‌های اطلاعاتی کالای خود را به زبان فارسی هم بنویسند؟

تاجیکستان نمونه‌ی ارزنده‌ای از مقاومت و پیروزی در مورد زبان دری است. مبارزه‌ای که بین زبان روسی و دری در گرفت با گذشت قریب صد سال زبان دری پیروز از مبارزه بیرون آمد. چنگیز بهلوان، گزارش‌ساز تاسف‌باری از برخورد ایران با تاجیک‌ها نوشته است که تاریخ آنرا هرگز بر ما ننخواهد بخشود: «... چند ماه پس از فروپاشی شوروی، درگیری‌های مسلحانه در تاجیکستان نظام سیاسی این کشور را در هم فروریخت. از آن پس کشتار مردم بی‌گناه آغاز شد که در نیمه‌ی سال ۱۹۹۲ به جابه‌جایی بیش از ششصد هزار تن، در داخل و خارج تاجیکستان انجامید. از این عده بیش از دویست هزار تن به کشورهای مشترک‌المنافع، به‌طور عمده به کشورهای آسیای مرکزی و فدراسیون روسیه گریختند و شصت هزار تن به افغانستان پناه بردند. با آن‌که کشور افغانستان خود گرفتار جنگ بود به استقبال آوارگان تاجیک رفت. کشور ایران با نرمش به تاجیکان نشان داد که بهتر است از ایران چشم‌پوشند و به جایی دیگر امید ببندند. با این حال گفته می‌شود که در مجموع سه هزار تاجیک به ایران آمده‌اند. گرچه شماری از ادیبان و شاعران تاجیک هر یک مدتی در ایران توقف کردند، اما بیش‌ترشان ایران کنونی را ایرانی‌آرمانی و رویایی خود نیافتند.

چه می‌شد اگر ایران در میان این همه پناهنده‌ای که به این کشور آمده‌اند، چند هزار ادیب و فرهنگی تاجیک را هم پذیرا می‌شد؟<sup>۲</sup> ایران برای پاسداری از فرهنگ ایران و زبان فارسی نیازمند مسئولیت بیشتر و تلاش و پی‌گیری و جدید همراه با برنامه‌ریزی حساب شده می‌باشد. ◇

### پی‌نوشت

Revolutions i overflods samhall/Erik  
Dammann Metro onsdag 22 Dec. 1999  
Sidan 14/15 Stockholm- Megaltender 2000-  
Jolm Naisbill/ Paliila Abunino 1990  
Dennier Fakla bokforlag.

۱. ایرانیان و اندیشه‌ی تجدد، دکتر جمشید بهنام، رویه‌های ۱۷۸ تا ۱۸۳.  
۲. مهاجرت در منطقه، دکتر چنگیز بهلوان، مجله‌ی آدینه، شماره‌ی ۱۱۸.